

راهبرد سیاست خارجی ترکیه در آمریکای لاتین؛ مطالعه موردی ونزوئلا

رحمت حاجی مینه*

محمد استادولی**

چکیده

در سال‌های اخیر، با روی کار آمدن حزب "عدالت و توسعه" ترکیه به یک بازیگر فعال در جهان تبدیل شده است، به گونه‌ای که در جنبه‌های مختلف بین‌المللی، ضمن توجه به متحدان غربی خود، بیشترین میزان استقلال در تصمیم‌گیری را نشان داده است. از این رو در راستای تحقق "عمق استراتژیک" این کشور، سیاست‌های ترکیه نسبت به "آمریکای لاتین و حوزه کارائیب" نسبت به گذشته تغییر کرد و به صورتی ویژه درآمد. ونزوئلا نیز به سبب داشتن نقش محوری در زمینه‌های اقتصادی، انرژی و ایدئولوژی یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه آمریکای لاتین است که در قرن جدید در همکاری‌های فرامنطقه‌ای پیش‌رو بوده است. بر این اساس صرف نظر از مخالفت‌های متحدان سنتی ترکیه، فضا برای همکاری‌های اقتصادی میان آنکارا و کاراکاس شکل گرفت. این موضوع سبب شد تا ترکیه، به ویژه در سال‌هایی که ونزوئلا با بحران مواجه شده، از این کشور حمایت‌های سیاسی نیز به عمل آورد. لذا سؤال اصلی این نوشتار «چرایی حضور ترکیه در آمریکای لاتین و به ویژه در ونزوئلا» است. فرضیه اصلی نیز بدین شکل است که ترکیه در چهارچوب «نئولیبرالیسم» در روابط بین‌الملل درصدد گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی در ونزوئلا و به تبع آن در منطقه آمریکای لاتین بوده است. پس از این نفوذ، آنچه آنکارا به عنوان هدفی بلند مدت اندیشیده، نشان دادن چهره‌ای فعال و تاثیرگذاری سیاسی در عرصه بین‌الملل است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، ونزوئلا، سیاست خارجی، آمریکای لاتین، همکاری اقتصادی

* استادیار روابط بین‌الملل. گروه ارتباطات و علوم اجتماعی. واحد تهران شرق دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

ایران (نویسنده مسئول): r.hajimineh@gmail.com

** کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای لاتین. دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران. ایران؛

mohammad.ostadvali@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل و سوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۹۶-۶۷

مقدمه

سیاست خارجی کشورها، فعالیتی است که دولت‌ها و نهادهای وابسته به آن در خارج از مرزهای تعریف شده برای یک سرزمین به اجرا می‌گذارند. این سیاست‌ها تلفیقی از تصمیم‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد با برنامه‌ریزی برای هر یک از آنها به مذاکره با یکدیگر بنشینند. بنابراین، مطالعه سیاست خارجی فقط با بررسی یکی از جنبه‌های تصمیم‌گیری دولت‌ها امکان‌پذیر نیست و باید عوامل مختلفی مورد تحقیق قرار گیرد.

در سال‌های اخیر ترکیه به یکی از بازیگران فعال در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. در این سال‌ها نام ترکیه در بسیاری از نشست‌ها و موقعیت‌های بین‌المللی دیده می‌شود. دیپلماسی فعال حزب حاکم در منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا بر اساس «دکترین» تعریف شده در سیاست خارجی ترکیه و با شعار «به صفر رساندن مشکلات با همسایه‌ها»، موقعیت آنکارا در عرصه دیپلماسی را به موقعیتی برتر بدل کرده است. این موضوع آرامش خیالی را برای بخش اقتصادی این کشور به ارمغان آورد که بر اساس آن مرزهای اقتصادی و تجاری خود را گسترش می‌دهد. حضور در پهنه وسیع جغرافیایی از آمال و اهداف بلند مدتی است که «احمد داوود اوغلو»، وزیر خارجه پیشین این کشور تحت عنوان «دکترین عمق استراتژیک» بیان کرده است. بدین ترتیب ترکیه توانست در کشورهای دیگر، هر چند دور دست، سرمایه‌گذاری کند. علت این امر آن است که حزب حاکم توانسته بر تفکری که مدت‌ها در جامعه ترکیه غالب بود

و می گفت «بهترین دوست برای یک ترک، ترکی دیگر است»، تا حدودی پایان دهد (Levaggi, 2012: 35).

ترکیه با استفاده از تجربیات دیپلماسی منطقه‌ای تلاش کرد تا در مناطق دیگر نیز از آن الگو بهره ببرد. بدین ترتیب آنکارا تلاش خود را بر بالا بردن روابط خود از سطح دیپلماتیک به سطوح دیگر در کشورهای حوزه آمریکای لاتین و کارائیب، به عنوان کشورهایی بکر برای افزایش روابط، معطوف کرد. دولت این کشور تا جایی بر سیاست های خود در این زمینه تاکید داشت که حتی در دوران فشارهای همه جانبه آمریکا علیه ونزوئلا، آنکارا روابط خود با کاراکاس را نه تنها قطع نکرد؛ بلکه برای گسترش آن نیز قدم برداشت، این درحالی بود که ترکیه با دیگر کشور های منطقه نیز همکاری های خود را ادامه می داد.

یکی از عواملی که سبب شد ترکیه بیش از پیش به سرمایه‌گذاری و افزایش حضور در ونزوئلا بیاورد، نیاز ونزوئلا و فقدان رقیب برای ترکیه در این کشور بود. البته، باید در نظر داشت که ونزوئلا علاوه بر آنکه منابع غنی از انرژی، مواد معدنی، فلزهای ارزشمند و مخازن آب شیرین را در خود جای داده، کشوری است که از لحاظ ایدئولوژیک بر دیگر کشورهای منطقه اثر گذار بوده و حتی در برهه کنونی نیز این اثرگذاری باقی است. از آنجا که هدف گذاری آنکارا بلندمدت تعریف شده، پس این کشور با بهره‌گیری از اصول قدرت نرم و نفوذ اقتصادی به دنبال آن است تا در آینده نفوذ سیاسی و استراتژیک خود را در منطقه آمریکای لاتین محقق سازد.

ونزوئلا به نوعی به یک تابو برای رابطه با آمریکا_ که این روزها بیش از پیش به فکر بازگرداندن «دکترین مونروئه» است_ بدل گشته است (گاردین، ژوئیه ۲۰۱۹). بنابراین، ترکیه در سایهٔ ثنولیرالیسم و مشارکت های اقتصادی با ونزوئلا در تلاش است تا علاوه بر تثبیت موقعیت خود در عرصهٔ بین‌الملل، به نوعی به سیاست های واشنگتن پاسخ دهد؛ بدین معنا که ترکیه با حضور در ونزوئلا و مطرح کردن خود به عنوان یکی از حامیان دولت قانونی کاراکاس، بر خلاف

رویکرد آمریکا و متحدانش که خود را حامی جبههٔ مخالف عنوان می‌کنند، به دنبال نقشی جدید در سیاست بین‌الملل است.

۱. چهارچوب نظری: نهادگرایی نئولیبرال

نهادگرایی نئولیبرال یا نئولیبرالیسم بر افزایش همکاری میان دولت‌ها به‌ویژه در زمینهٔ اقتصادی تأکید می‌کند. بنای این نظریه بر اساس اقتصاد پایه‌گذاری شده است و با توجه به این نظریه می‌توان رفتار اقتصادی کشورها را در سطح بین‌المللی مورد ارزیابی قرار داد. در واقع نئولیبرالیسم «برداشتی آزاد از اقتصاد سیاسی کلاسیک است که در نوشته‌های اقتصاددان‌های حامی بازار» تبلور یافته است (هیوود، ۱۳۸۹: ۷۶).

آنچه از هدف اصلی این مکتب در روابط میان کشورها نام برده می‌شود، آن است که نئولیبرالیست‌ها در تلاش‌اند تا در حد امکان دولت را در مناسبات اقتصادی کنار بزنند. «با این باور که سرمایه‌داری بازار بدون کنترل حکومتی، کارایی، رشد و رونق گسترده‌ای خواهد داشت. بر اساس این دیدگاه، دست‌بازدارندهٔ حکومت شیرهٔ نوآوری را می‌مکد و مانع سرمایه‌گذاری می‌شود» (هیوود، ۱۳۸۹: ۷۶). البته این بدان معنا نیست که دولت هیچ نقشی ایفا نمی‌کند، برعکس برخی از نهادگرایان نئولیبرال بازیگران غیر دولتی را که در سطح بین‌المللی و با دیگر دولت‌ها در همکاری هستند، زیر مجموعهٔ دولت متبوع برمی‌شمارند (قوام، ۱۳۷۱: ۲۹۴). بر اساس این نظریه، دولت در هموار کردن راه برای تبادلات اقتصادی در سطح بین‌المللی گام برمی‌دارد. به همین علت در این نظریه نقش مهمی که کشورها در روابط بین‌الملل ایفا می‌کنند به رسمیت شناخته می‌شود و به تبع آن منافع و قدرت آنها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (دهقانی فیرزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۱). این اندیشه را می‌توان یکی از نتیجه‌های جهانی شدن نیز نامید. در دروان جهانی‌سازی، دیگر روابط میان کشورها مرز و منطقهٔ خاصی را نمی‌شناسد، آنچه مهم است انگیزه‌هایی برای همکاری و ایجاد وابستگی متقابل در سطح بین‌الملل است.

شایان ذکر است که در این نظریه وضعیت ساختاری آنارشی در نظام

بین‌الملل پذیرفته شده است، اما این آنارشی به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که همکاری با دیگر ملل را غیر ممکن نشان نمی‌دهد. به همین دلیل است که در نظریهٔ نئولیبرالیسم همکاری‌های فرامرزی رو به رشد گذاشته است (لانگ، ۱۹۹۵: ۴۸۹-۵۰۶).

در همین چهارچوب، این پژوهش بر آن است تا به عنوان پاسخ به سؤال اصلی، علت جذابیت آمریکای لاتین برای آنکارا را تبیین کند. برای این منظور ابتدا به تبیین سیاست‌های خارجی کلان ترکیه در قرن ۲۱، پرداخته می‌شود تا به‌طور کلی نقشهٔ راه خارجی حزب حاکم نیز مشخص شود، اما برحسب نیاز به بررسی روابط با آمریکای لاتین (از دوران امپراتوری عثمانی تا زمان کنونی) هم به‌طور مختصر پرداخته می‌شود. در این قسمت مشخص می‌شود که در دوره‌های گوناگون روابط خارجی ترکیه با منطقهٔ آمریکای لاتین چه ویژگی‌هایی را داشته است.

در ادامه علاوه بر آنکه علت اهمیت ونزوئلا در این منطقه بررسی می‌شود، نقش این کشور در پیشبرد سیاست‌های بین‌المللی ترکیه و تثبیت حضور آن در عرصهٔ بین‌المللی و تقابل با قدرت‌های بزرگ نیز روشن می‌گردد؛ به‌ویژه آنکه در برههٔ کنونی، کشوری با موقعیت استراتژیک ونزوئلا وارد بحران شده و ترکیه رویکردی مخالف اروپایی و آمریکایی نشان داده است. آنچه حزب عدالت و توسعه را در سیاست خارجی ترکیه، متمایز از دیگر دولت‌های بر سر قدرت این کشور قرار داده است، همین تمایل به همکاری با کشورهایی است که پیش از آن برنامه‌ای برای حضور در آنجا نداشته‌اند. بدین ترتیب مشخص می‌شود، همکاری‌های بین‌المللی ترکیه با ونزوئلا و دیگر کشورهای منطقهٔ آمریکای لاتین، بر اساس نظریهٔ نئولیبرالیسم در سیاست خارجی حزب حاکم قابل تبیین است.

انگیزهٔ اصلی از نگارش این پژوهش علاوه بر بررسی سیاست خارجی ترکیه، به عنوان کشور همسایه و به نوعی رقیب اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، نمایش نقش ونزوئلا به‌خصوص در برههٔ کنونی در عرصهٔ بین‌الملل (در سطوح مختلف) است؛ چرا که این کشور از جمله متحدان ایران در منطقهٔ آمریکای لاتین نیز به

شمار می‌آید و با شناخت ظرفیت‌های موجود، برنامه‌ریزی برای پیشبرد سیاست خارجی ثمربخش می‌شود.

۲. روند پژوهی روابط تاریخی ترکیه و آمریکای لاتین

۲-۱. دوران امپراتوری عثمانی

آغاز روابط میان ملت‌های آمریکای لاتین و ترکیه را می‌توان از امپراتوری عثمانی دنبال کرد. از لحاظ تاریخی این دوران به زمانی مربوط می‌شود که کشورهای آمریکای لاتین جمهوری‌های جوان خود را تشکیل داده و کم‌کم از سلطه استعمار اروپا رها می‌شدند. آنچه از روابط عثمانی‌ها با کشورهای این منطقه به دست آمده، بیش از هر چیز از نوع روابط دیپلماتیک است. علت این امر هم می‌تواند سه مورد باشد: نخست، فاصله جغرافیایی میان دو منطقه؛ دوم، طولانی بودن زمان برقراری روابط دو کشور و سوم، چه عثمانی و چه منطقه آمریکای لاتین در قرن نوزدهم که مورد نظر این بخش است، دچار مشکلات و بحران‌های داخلی خود بودند (Özkan, 2016).

آمریکای لاتین کش و قوس‌های مربوط به استقلال و دوران گذار دولت‌های مستقل را طی می‌کرد؛ امپراتوری عثمانی نیز به سبب پیشرفت اروپا و بحران‌های داخلی خود، مشکلات فراوانی را بر سر راه می‌دید؛ لذا در این دوران ارتباط مؤثری میان آنها ایجاد نشد. به‌طور کلی می‌توان گفت، روابط دولت عثمانی و آمریکای لاتین پس از جلساتی میان دیپلمات‌هایی از کشورهای آمریکای لاتین و عثمانی در سال ۱۸۱۰، و در سال‌های بعد از آن شکل گرفت. در آن نشست‌ها مقرر شد تا دولت عثمانی در برخی از کشورهای منطقه به صورت افتخاری یا رسمی، کنسولگری و دفاتر مورد نیاز را دایر کند (De La Rosa, 2011).

آمریکای لاتین از یک سو به سبب نقش مهمی که دولت عثمانی در منطقه و در تقابل با اروپا داشت، و از سویی دیگر به علت منافع اقتصادی منطقه، تمایل زیادی برای برقراری ارتباط با دولت عثمانی پیدا کرد. در این برهه سه اتفاق مهم در شکل‌گیری روابط میان دو منطقه و سپس پیشرفت آن رخ داد:

نخست، "قرار داد ۱۸۵۸" میان امپراتوری عثمانی و برزیل؛ دوم، سفر "پدرو دوم" پادشاه برزیل به سرزمین عثمانی در ۱۸۷۶، و سوم، مهاجرت مردم از سرزمین‌های تحت امر عثمانی به منطقه آمریکای لاتین به خصوص شیلی، آرژانتین و برزیل (Levaggi, 2016: 31). مورد سوم را می‌توان به عنوان یکی از موارد مهمی دانست که بر روابط حال حاضر ترکیه در این منطقه اثر گذار بوده است. «در بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۰، حمایت کشورها از مهاجرت و پذیرش اتباع دیگر کشورها، سبب شد تا ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به آرژانتین مهاجرت کنند که در این میان ۱۵۰ هزار نفر از اتباع عثمانی بودند؛ همچنین ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر به برزیل رفتند که ۱۰۵ هزار نفر آنها با مدارکی از عثمانی مهاجرت کرده بودند» (Temel, 2004: 11).

حضور مردم با نژادهای مختلف اما با گذرنامه واحد در منطقه آمریکای لاتین به گونه‌ای بود که حتی امروز جامعه عربی که در این منطقه زندگی می‌کند، صرف نظر از زبان و نژاد آنها، به واسطه گذرنامه مهاجرین ابتدایی، "ترک" خطاب می‌شوند (Funk, 2015: 15). با سقوط دولت عثمانی و پس از آن انقلاب در این کشور که منجر به تشکیل جمهوری مستقل ترکیه به رهبری «مصطفی کمال آتاتورک» شد، روابط ترکیه و آمریکای لاتین دستخوش تغییر شد، به گونه‌ای که همان اندک ارتباط دیپلماتیک نیز کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شد.

۲-۲. دوران جنگ سرد

پس از خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم، دنیا وارد برهه‌ای جدید از درگیری میان ابرقدرت‌ها شد. هر چند ماهیت این جنگ در واقع تقابل میان دو ابرقدرت شرق (اتحاد جماهیر شوروی) و غرب (آمریکا) بود، بسیاری از کشورها را نیز در صف بندی‌های مختلف قرار می‌داد. در این میان نقش ترکیه به سبب موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیکی که بازی می‌کرد، بسیار مهم بود. «فرانکلین روزولت»، رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۴۱، ترکیه را به عنوان کشوری محور برای سیاست‌های آمریکا خواند. مقامات آمریکایی در دوارن جنگ سرد و مبارزه با شوروی بر روی ترکیه حساب ویژه‌ای کرده بودند. نتیجه این امر «دکترین ترومن»،

به حساب آمدن ترکیه در طرح «مارشال» و در سال ۱۹۵۲، عضویت این کشور در پیمان «آتلانتیک شمالی» (ناتو) بود (مک کانل، ۲۰۱۸: ۲).

در این دوران به علت مشکلاتی که جامعه بین‌الملل را درگیر کرده بود، کشورها نمی‌توانستند به سادگی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ به همین دلیل روابط هر چند مختصر ترکیه با منطقه آمریکای لاتین باز هم کاهش یافت، به گونه‌ای که در این بازه زمانی، ترکیه فقط شش قرار داد بر سر اعطای روادید با آمریکای لاتین بست. علت دیگر، تنزل روابط اوضاع داخلی کشورها در آن دوران بود. علاوه بر آنکه ترکیه اوضاع مناسب اقتصادی و سیاسی خوبی را تجربه نمی‌کرد، آمریکای لاتین هم درگیر کودتا و مشکلات داخلی بود (سلنک، ۲۰۰۱: ۵۵۰). درگیری انگلیس و آرژانتین بر سر جزایر «مالویناس» نیز سبب شد تا آمریکای لاتین نسبت به تمام اعضای ناتو بدبین باشد؛ بنابراین به طور طبیعی روابط ترکیه نیز با این منطقه تحت تاثیر قرار گرفت.

۲-۳. پایان جنگ سرد و سال‌های بعد از آن (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲)

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی جهان وارد مرحله تک‌قطبی شد و به همین سبب از اهمیت ژئوپولیتیک ترکیه نیز کاسته شد. در این میان «تورگوت اوزال»، رئیس جمهور ترکیه (۱۹۸۹-۱۹۹۳) نقش پر رنگی در شکل‌دهی سیاست خارجی ترکیه داشت. وی تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۳، علاوه بر تلاش برای ایجاد ارتباط با کشورهای منطقه به دنبال عادی سازی روابط با فدراسیون روسیه بود. ضمن آنکه روابط آنکارا و واشنگتن نیز با تلاش‌های اوزال وارد مرحله‌ای جدید شد. ترکیه بیش از هر چیز در تلاش بود تا با این کشورها روابط اقتصادی و تجاری مؤثری را شکل دهد.

پایان جنگ سرد به منزله پایان همان صف‌بندی‌هایی بود که مانع از روابط کشورها با یکدیگر می‌شد؛ بنابراین در این برهه از زمان فرصتی ایجاد شد تا ترکیه بتواند بار دیگر به منطقه آمریکای لاتین و ارتباط با این منطقه بیاورد.

«سلیمان دمیرل»، رئیس جمهور ترکیه (۱۹۹۳-۲۰۰۰) در آوریل ۱۹۹۵، با سفر به آمریکای لاتین اولین رئیس جمهور ترکیه لقب گرفت که از این منطقه

دیدن کرده است. سفر او سبب شد تا گام بزرگی برای ایجاد ارتباط با این منطقه برداشته شود؛ به گونه‌ای که تنها در این سفر، هشت تفاهم‌نامه همکاری دو جانبه با کشورهای برزیل، شیلی و آرژانتین به امضا رسید (Levaggi, 2016: 34). اگر تا پیش از این حضور در ناتو و مشکلات موجود در روابط بین‌الملل مانع از حضور فعال ترکیه در مناطق دیگر می‌شد، بعد از جنگ سرد ترکیه از اتفاقات مختلف جهانی از جمله حادثه یازده سپتامبر و بحران اقتصادی به‌خوبی برای حضور در مناطق دیگر استفاده کرد تا در سال‌های بعد بتواند برنامه‌های بلند خود را در زمینه افزایش عمق استراتژیک این کشور پیاده سازد (داوود اوغلو احمد، ۲۰۰۱).

۳. سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه

«حزب عدالت و توسعه»، در سال ۲۰۰۱، به عنوان انشعابی از حزب «سعادت» بنا شد، این حزب توانست تغییرات زیادی را چه در داخل و چه در عرصه خارجی ترکیه به وجود آورد. این تغییرات تقریباً در دهه اول قرن ۲۱، طرح‌ریزی و در ادامه پیگیری شد. حزب یاد شده توانست در نوامبر ۲۰۰۲، با کسب اکثریت مطلق آرا در پارلمان ترکیه گام مهمی در قدرت بردارد. از آن سال تا کنون، این حزب بر مسند قدرت است و به همین سبب تشکیل دولت نیز بر عهده این حزب است. در سیاست خارجی جدید ترکیه به همه ابعاد و ابزاری که می‌توان در محیط بین‌الملل برای ارتباط با دیگر کشورها استفاده کرد، پرداخته شده است.

همچنین بعد از حادثه یازده سپتامبر و تغییراتی که عرصه بین‌الملل به خود دید، نقش کشوری مانند ترکیه بیش از پیش پررنگ می‌شد. علت آن بود که نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۱ که برخاسته از آراء «ساموئل هانتینگتون»^۲ است، در آن دوران بیشتر مورد توجه قرار گرفت. ترکیه در این میان به علت ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی که داراست، به عنوان کشوری شناخته می‌شود که یک مثال عملی از این نظریه است (کیمان، ۲۰۰۷).

1. Clash of Civilizations

2. Samuel P. Huntington

با این همه نقطه عطف سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه زمانی مشخص شد که در جنگ عراق که از سال ۲۰۰۳، آغاز شد دخالتی نکرد. با آنکه این موضوع سبب شد تا روابط این کشور با آمریکا کمی مشکل‌دار شود، این امتیاز را به آنکار بخشید تا در منطقه حضور مؤثرتری داشته باشد و به تبع آن با خیالی آسوده به روابط با دیگر مناطق بیاندیشد.

با اجرای مجموعه‌ای از این سیاست‌ها، ترکیه نه تنها توانست بر بحران اقتصادی که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱، در این کشور ایجاد شد، فایق آید؛ بلکه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، از شاخص رشد میانگین سالانه تولید ناخالص داخلی بسیار خوبی در منطقه برخوردار بود. در نتیجه این کشور بیش از پیش به تولیدات خود بها داد. نتیجه آنکه کالاهای تولیدی این کشور نه تنها در میان ملت‌های منطقه جای خود را باز کرد؛ بلکه در مناطق دیگر نیز راه یافت. بدین ترتیب آنچه سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و معمار آن، یعنی داوود اوغلو دنبال می‌کرد، تا حدی تحقق یافت.

احمد داوود اوغلو که در سال ۲۰۰۹، وزیر خارجه ترکیه شد، توانست در سیاست خارجی این کشور این ایده را که ترکیه در روابط بین‌الملل در بطن امور است و نقشی محوری دارد، پروراند. در واقع به نظر او ترکیه به واسطه جغرافیا، تاریخ و هویتی که از دیرباز کسب کرده است، می‌تواند در مسائل پیچیده امروز در عرصه بین‌الملل، نقشی کلیدی داشته باشد. بنابراین و بر اساس آنچه وی در کتاب عمق راهبردی تبیین می‌کند، ترکیه در سیاست خارجی‌اش باید بر خلاف دوران جنگ سرد، از حالت منفعل خارج شود؛ ترکیه دیگر همانند «کشوری رابط» عمل نمی‌کند؛ بلکه باید این کشور را به مثابه یک کشور تاثیرگذار چه در منطقه اطرافش و چه در دیگر مناطق جهان شناخت.

این سیاست جدید چند مؤلفه دارد. نخستین گام «به صفر رساندن مشکلات با کشورهای همسایه» (داوود اوغلو، ۲۰۰۱) است. این موضوع نه تنها مغایر با سیاست‌های پیشین این کشور نبود؛ بلکه بدین طریق آینده‌ای روشن را در روابط خارجی ترکیه در منطقه ترسیم می‌کرد. در مرحله دوم، سیاست خارجی چند

وجهی که بر ترسیم تعهدات جدید با متحدان قدیمی تاکید دارد، مد نظر قرار گرفت. هدف این بُعد از سیاست آن است که اگر مثلاً ترکیه با فدراسیون روسیه یا با خاورمیانه وارد تعاملات نزدیکی شد، این کشور را در برابر دیگر متحدانش در اروپا و نیز آمریکا قرار ندهد. به نوعی ترکیه با ایجاد ساختاری جدید در روابط منطقه‌ای‌اش، هم زمان روابط با دیگر متحدانش را (حداقل تا سال ۲۰۱۷، و پیش از بحرانی شدن روابط آنکارا _ واشنگتن) حفظ کرد. گزاره سوم، نقش تاثیرگذار یا حضور ترکیه در حل مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی است. ترکیه در این دکترین جدید باید به عنوان کشوری معرفی شود که در مذاکرات صلح در مناطق مختلف و میان کشورهای مختلف شرکت داشته باشد (داوود اوغلو، ۲۰۰۱). راهبرد میانجی که ترکیه سعی کرده در دوران بعد از داوود اوغلو هم آن را ادامه دهد که نمونه بارز آن در آمریکای لاتین است.

به‌طور کلی می‌توان گفت ترکیه برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود، پیش از آنکه از لحاظ سیاسی وارد عمل شود و نفوذی مثبت را شکل دهد، از طریق اقتصاد و فرهنگ وارد عمل شده و سپس به مقاصد سیاسی مد نظرش می‌اندیشد. در واقع تعهدات ترکیه در قبال دیگر کشورها و استقلال اقتصادی که این کشور پیدا کرده تا کالاهای خود را به دیگر نقاط جهان ارسال کند، سبب شد تا روابط خارجی ترکیه بر اساس مدلی که نتولیرالیسم هم از آن سخن می‌گوید، شکل گیرد؛ به این معنا که پیش از هر چیز شرکت‌های اقتصادی و تولیدکننده با کشور یا ملت دیگر ایجاد ارتباط، یا مبادرت به تغییر نوع ارتباط پیشین می‌کنند.

همچنین باید خاطر نشان کرد که بر اساس اصل مزیت نسبی در علم اقتصاد، مشخص می‌شود که تجارت وضع همه را بهتر می‌کند (منکیو گریگوری، ۱۹۹۷: ۷۵). این بدان معناست که نه تنها ترکیه؛ بلکه منطقه هدف نیز از ایجاد ارتباط جدید سود می‌برد. تبادل متقابل اقتصادی میان کشورها سبب می‌شود تا چرخه تولید محصولات بهتر و بیشتر شکل گیرد و در نتیجه میزان درآمد کشورها رشد کند. واضح است که این موضوع پایه و اساس رشد قدرت در دولت‌ها محسوب می‌شود.

البته این موارد موضوعات جدیدی نیست؛ فقط آنکه به قول برخی از صاحب نظران، سیاست های «نوعثمانی گرایی» در حزب عدالت و توسعه به شکلی نوین تبلور یافته است. اما با توجه به آنکه ترکیه سال هاست از هم پیمانان اصلی آمریکا در منطقه خاورمیانه به شمار می رود، برای فهم سیاست خارجی آنکارا در عصر جدید باید به روابط دولت ترکیه با واشنگتن نیز پرداخته شود. خاصه آنکه حضور ترکیه در منطقه آمریکای لاتین، به خصوص در ونزوئلا که موضوع بحث این پژوهش است، به معنای حضور در «حیات خلوت» آمریکا و نقض دکترین مونروئه ای است که در سال ۲۰۱۹، هم زمزمه آن بار دیگر از سران کاخ سفید شنیده می شد (گاردین، ۲۰۱۹).

روابط آنکارا _ واشنگتن بعد از دوران جنگ سرد و فروپاشی شوروی دوران پیچیده ای را تجربه کرده است، اما با عنایت به پارامترهایی سیاست خارجی حزب حاکم در ترکیه، توجه به مؤلفه های نظریه نئولیبرالیسم در روابط بین الملل و نیز با تمرکز بر سیاست ترکیه در عرصه بین الملل، درمی یابیم که این کشور _ هر چند از بروز تنش واهمه ای ندارد _ درصدد کنترل و کاهش همه تنش های سیاسی است. ترکیه نشان داده است که می خواهد مستقل از آمریکا عمل کند. این موضوع به ویژه در جنگ با عراق هویدا شد؛ در دهه ۱۹۹۰، در جنگ خلیج فارس یکی از متحدان واشنگتن علیه رژیم عراق به شمار می آمد؛ حتی در سال های بعد از جنگ نیز به آمریکا اجازه داد تا از پایگاه «اینجریلیک»^۱ استفاده کند.

با توجه به لزوم نیل به «عمق راهبردی» در دیگر مناطق، ترکیه در رابطه با آمریکا در دهه آغازین قرن جدید از دو چیز برحذر بود: نخست آنکه نمی خواست به سبب اتحاد با آمریکا، همکاری های منطقه ای و بازارهایی را که در نزدیکی اش موجود هستند از دست بدهد (مصطفی، ۱۳۹۶)؛ دوم آنکه دیگر نقاط جهان، از جمله آمریکای لاتین که در آن دوران قدرت دولت های چپ گرا و ضد امپریالیست روبه رشد بود، گزینه ای مناسب برای اجرای سیاست های اقتصادی این کشور بود که در صورت افراط در پیروی از سیاست های واشنگتن، آن را نیز از دست می داد.

1. Incirlik

بنابراین، در اول مارس ۲۰۰۳، پارلمان ترکیه در مصوبه‌ای از حضور ترکیه در جنگ عراق ممانعت به عمل آورد تا در نتیجه روابط با واشنگتن وارد مرحله‌ای جدید شود. اما این باعث نشد که «باراک اوباما»^۱، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا روابطش را با ترکیه نادیده بگیرد. او در دومین سفر بین‌المللی خود، در سال ۲۰۱۰، وارد آنکارا شد و ترکیه را به عنوان اولین مقصد خود در خاورمیانه مطرح کرد. این بهبود روابط دیری نپایید و روابط دو کشور بار دیگر سرد شد. همچنین در ژوئیه ۲۰۱۶، کودتایی ناکام در ترکیه شکل گرفت که دولت آن را ساخته و پرداخته «فتح الله گولن» و طرفدارانش می‌دانست. به همین سبب، آنکارا از واشنگتن خواست تا وی را که تا آن زمان در آمریکا زندگی می‌کرد، به ترکیه تحویل دهد؛ این موضوع محقق نشد تا عاملی دیگر مبنی بر ایجاد فاصله از واشنگتن رقم خورد. در ۲ سپتامبر ۲۰۱۷، هم پس از آنکه واشنگتن پیشنهاد آنکارا مبنی بر معاوضه «اندرو برانسون»^۲ که یک کشیش آمریکایی در بند و مقیم ترکیه بود با گولن را نپذیرفت، روابط دو کشور پر تنش شد، هر چند بعداً ترکیه برانسون را آزاد کرد.

از اتفاقاتی که شرح آن در بالا رفت نتیجه می‌شود:

- سیاست خارجی ترکیه دیگر برخلاف سده گذشته بر اساس همراهی کامل با قدرت‌های بزرگ نیست. آنکارا تلاش کرده است در خیلی از حوزه‌ها از جمله آمریکای لاتین، آفریقا و حتی خاورمیانه در راستای اهداف تعریف شده خود حرکت کند.
- هر بار آمریکا فشارهایی را بر ترکیه وارد می‌کند، این کشور به دیگر مناطق متمایل می‌شود.

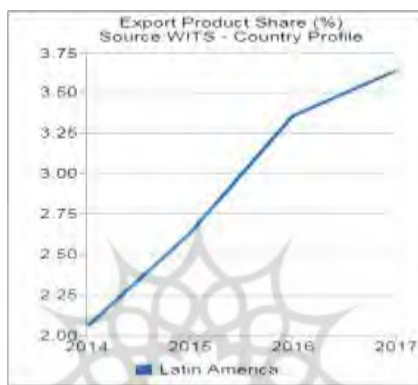
● در سال‌های اخیر به سبب حضور ترکیه در آمریکای لاتین و گسترش عمق راهبردی‌اش، فشار آمریکا بر اقتصاد ترکیه بیشتر شده است. علت آن است که بنا بر آمارهای تارنمای "WITS"^۳ (مرتبط با سازمان بانک جهانی) ترکیه از سال

1. Barack Obama

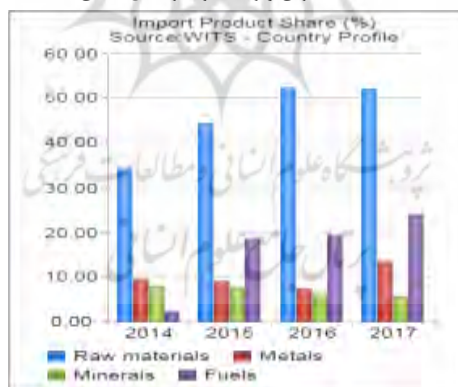
2. Andrew Brunson

۲۰۱۴، به بعد در برخی از محصولات مهم، تجارت گسترده‌ای را با آمریکای لاتین آغاز کرد، به همین دلیل آمریکا در سال ۲۰۱۷، این رشد تجاری میان ترکیه و آمریکای لاتین را به ضرر خود می‌دانست و دست به اقدامات باز دارنده زد. در ادامه دو نمونه از آمارهای تجاری میان ترکیه و منطقه آمریکای لاتین و دریای کارائیب ارائه شده است.

شکل ۱. افزایش صادرات به آمریکای لاتین



شکل ۲. میزان واردات از آمریکای لاتین



الف) ترکیه از یک دهه پیش به سبب راه نیافتن به جمع کشورهای اروپایی، مشکلات جدی با این اتحادیه پیدا کرده بود. به گونه‌ای که مقامات سیاسی این کشور دیگر تمایلی به حضور در اروپا نشان نمی‌دهند. به همین سبب در داخل این کشور، بسیاری چشم خود را به طور کامل به سمت واشنگتن گردانده بودند؛

حال با این اتفاقات لزوم ایجاد همکاری با دیگر کشورها، به ویژه کشورهایی که در دولت‌های قبل به آن‌ها پرداخته نشده است، بیش از پیش حس می‌شود.

ب) کلیه این موارد از ابتدای قرن بیست و یک تا کنون سبب شد تا ترکیه در مسیری که برای ایجاد روابط با دیگر مناطق گام برداشته است، مصمم شود. بنابراین، به دلایلی که ذکر شد و تغییرات ژئوپولیتیک در جهان و تغییر در رویکرد کشورها در روابط بین‌الملل، ترکیه به سمت ایجاد رابطه با آمریکای لاتین حرکت کرد تا علاوه بر بهره‌مندی از روابط تجاری با این منطقه، در "حیاط خلوت" آمریکا هم حضوری فعال پیدا کرده باشد.

۴. حضور در آمریکای لاتین: راهبرد آنکارا در منطقه آمریکای لاتین در

قرن ۲۱

پایان جنگ سرد و سال‌های بعد از آن، به خصوص حادثه یازده سپتامبر نشان داد نه تنها رسیدن به نظم بین‌المللی؛ بلکه دستیابی به منافع ملی، نیازمند حرکتی چند جانبه است. قرن ۲۱، و اتفاقاتی که در آن به وقوع پیوست، سبب شد تا دو قطبی در جهان به طور کامل از بین برود و «یخ ژئوپولیتیک نیز آب شود» (مولانو، ۲۰۱۰). این یعنی آنکه ساختار روابط میان کشورها در عرصه بین‌الملل از الگویی جدید پیروی کرد. در این الگو دیگر روابط میان کشورها محدود به دولت‌ها نمی‌شد. نهاد و سازمان‌های غیر دولتی بسیاری تشکیل شد تا با هدف ایجاد ارتباطی مؤثر در کشورها دیگر قدم بگذارند. اگر در دوران قبل، عنصر نظامی عاملی برای نمایش قدرت و ایجاد اقتدار در عرصه بین‌المللی بود اکنون «جنگ نرم» است که جای آن را گرفته است. جنگی که در آن از ادوات نظامی استفاده نمی‌شود و دولت‌ها با ایجاد فضایی مناسب برای سازمان‌های وابسته و نهادهای غیر دولتی، در جهت قدرتمند شدن و پیروزی خود تلاش می‌کنند.

روابط بین‌الملل در دنیای کنونی بدون قطب تعریف می‌شود. هر یک از کشورها با حفظ استقلال خود، برای رسیدن به یک هدف مشترک گام برمی‌دارد و برای رسیدن به توسعه تلاش می‌کند. این موضوع به روشنی نشان می‌دهد که کشورها نمی‌توانند بدون ایجاد ارتباط با دیگر ملل امورات خود را به سادگی

بگذرانند (ظریف و سجادیپور، ۱۳۹۱). توجه به حادثه یازده سپتامبر و بسیاری از حوادث تروریستی دیگر در قرن جدید، در کشورهایی که خود را ابرقدرت معرفی می‌کنند، حاکی از آن است که مسائل روز فقط با دیپلماسی فعال قابل حل است. در این میان موضوع اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که قدرت اقتصادی به عنصر مهم تشکیل دهنده قدرت سیاسی کشورها در عرصه بین‌الملل بدل شده است؛ تا جایی که حتی در عصر کنونی برای مطالعه رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، رفتار اقتصادی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

فاصله زیاد جغرافیایی و متفاوت بودن زبان‌ها طی دهه‌ها از جمله مشکلات اصلی برای ایجاد ارتباط با دیگر ملت‌ها بوده است. این موضوع در مورد ترکیه نیز صادق بود. به همین دلیل فاصله ۱۳ هزار کیلومتری میان این قاره و ترکیه طی سال‌ها سبب شد دولت‌هایی که در ترکیه به سر می‌برند، تمایلی به حضور در این منطقه نشان ندهند. خصوصاً آنکه در دولت‌های قبل چندان راضی به حساس کردن واشنگتن نسبت به سیاست‌های خارجی ترکیه نمی‌شدند، به شکلی که تا سال ۲۰۰۷، این کشور فقط در کشورهای برزیل، آرژانتین، کوبا، مکزیک، شیلی و ونزوئلا سفارتخانه داشت (Levaggi, 2016: 33).

پس از آنکه حزب عدالت و توسعه تصمیمات خود را در مورد سیاست خارجی ترکیه اعمال کرد، علاوه بر تقویت حضور در سفارتخانه‌هایی که از قبل دایر بود، در کشورهای دیگر از جمله کلمبیا (۲۰۱۰)، پرو (۲۰۱۰)، اکوادور (۲۰۱۰) و بولیوی (۲۰۱۸) نیز اقدام به تأسیس سفارتخانه کرد تا روابط دیپلماتیک در سطح بالایی با این کشورها در جریان باشد. این کشور همچنین کنسولگری‌هایی را نیز در هندوراس و برخی کشورهای کوچک منطقه کارائیب بنا کرد تا از آنها نیز دور نباشد. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در وزارت امور خارجه این کشور شکل گرفت، توجه اساسی به این نقاط بود. در واقع برنامه‌ریزی دولت جدید در این کشور به گونه‌ای بود که از لحاظ سیاسی زمینه‌های حضور دیگر بخش‌ها در این کشورها فراهم شود. در این راهبرد، سفارتخانه‌های ترکیه، به

عنوان نمایندگی سیاسی و دائم این کشور نقش مهمی را ایفا می‌کردند؛ این فقط اقدامی بود که دولت ترکیه در راستای هموار کردن مسیرهایی دیگر انجام داد تا بازیگران فراملی به راحتی وارد عمل شوند.

«جوزف نای» معتقد است، منابع قدرت جهانی، امروزه در صحنه بین‌الملل بر سه بُعد قابل تعمیم است، که همین سه بُعد سبب‌ساز شکل‌دهی نوع روابط میان کشورها می‌شوند: نخست، بعد نظامی است که جنبه‌ای تک قطبی دارد؛ دوم، بعد اقتصادی است که چند جانبه است؛ و سوم روابط فراملی است که در واقع از بازیگران خرد، اعم از شرکت‌های چند ملیتی تا سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکیل شده است. آنچه بیش از همه حائز اهمیت است، آن است که قدرت دیگر در دست یک دولت نیست، حتی قدرت در نظامی‌گری نیز تعریف نمی‌شود (نای، ۲۰۰۲). این موضوع پاسخ‌دهنده این سؤال است که چرا سیاست خارجی ترکیه به‌خصوص در منطقه آمریکای لاتین در چهارچوب روابط اقتصادی یا نئولیبرالیسم شکل گرفته است.

روابط ترکیه و آمریکای لاتین به وسیله تعداد زیادی از بازیگران مختلف شکل گرفته است؛ به عبارت دیگر انحصار دولت‌ها در این زمینه از بین رفته و جای خود را به شرکت‌ها، انجمن‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های بین‌المللی داده است. آنها هستند که خط روابط میان کشورهای این منطقه را با ترکیه تعیین می‌کنند و روابط یک‌جانبه و چندجانبه را ایجاد می‌کنند. اگر با دید واقع‌گرایی هم به این موضوع بنگریم، خواهیم دید که در حال حاضر، در دنیایی زندگی می‌کنیم که حتی قدرت‌های بزرگ نظیر روسیه و چین که هم ابزار سخت و هم ابزار نرم را در اختیار دارند، از این الگوی سیاسی برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. نمونه بارز آن گروه «بریکس» متشکل از برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی است.

بنابراین، مطابق آنچه ذکر شد، روابط ترکیه با کشورهای آمریکای لاتین از سال ۲۰۰۷ که سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه وارد مرحله‌ای جدید شد، به سطح روبه‌رشدی رسید. زمینه‌های همکاری با این منطقه در حوزه‌های

گونگون طرح‌ریزی شده است: برنامه‌های جدید تجاری، سرمایه‌گذاری، همکاری مشترک دانشگاهی و علمی، همکاری‌های فرهنگی، آموزش زبان، افزایش گردشگر و کمک به صنعت گردشگری است. مورد آخر به یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین زمینه‌ها در همکاری بین ترکیه و کشورهای منطقه بدل شده است، چراکه با رونق این صنعت مردم منطقه بیش از پیش با ترکیه آشنا شده و در نتیجه به کالاهای ترکی اعتماد می‌کنند. آمارها نشان می‌دهند در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، میزان ۵۰ درصد رشد گردشگر برای آمریکای لاتین ثبت شده است (Levaggi, 2016: 33).

در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷، ترکیه رسماً به عنوان یکی از اعضای «سپال»^۱ (کمیسیون اقتصادی در امور آمریکای لاتین و کارائیب)، که یکی از پنج کمیسیون منطقه‌ای سازمان ملل متحد به شمار می‌رود، معرفی شد. در گزارش سپال در مورد این رخ داد آمده که سازمان مذکور با دولت ترکیه به توافق رسیده است تا سال ۲۰۳۰، روابط خود را به بالاترین سطح برسانند (تارنمای اینترنتی سپال: ۲۰۱۷). در این گزارش همچنین گفته شد، میزان روابط اقتصادی ترکیه و کشورهای منطقه، از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۴، تقریباً ده برابر شده است. این رشد در سال‌های پس از آن تا به امروز ادامه داشته است. در این میان برزیل، کلمبیا، شیلی، آرژانتین و اخیراً ونزوئلا نقش مهم‌تری را نسبت به دیگر کشورها ایفا می‌کنند.

افزایش همکاری کشورهای آمریکای لاتین با دیگر کشورها و عدم وابستگی صرف به همسایگان شمالی خود، باعث شده است اقتصاد آنها حرکتی رو به جلو را تجربه کند. سپال همچنین پیش‌بینی کرده است، مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه، به‌ویژه در آمریکای جنوبی، در سال ۲۰۱۹ از ۰٫۷ درصد به ۱٫۶ درصد برسد (گزارش سالانه سپال، ۲۰۱۸).

۵. جایگاه راهبردی ونزوئلا برای ترکیه در منطقه آمریکای لاتین

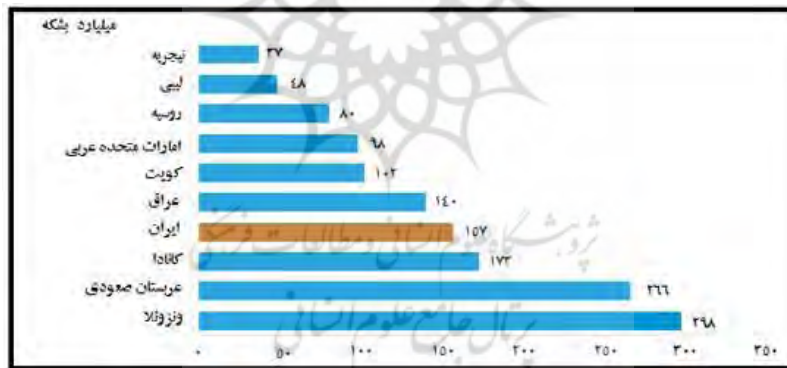
دلایلی که ذکر شد، همه آن چیزی نبوده است که ترکیه را به این منطقه فرا خوانده است. یکی از عمده‌ترین دلایلی که واشنگتن را به تکاپو برای احیای «حیات خلوت» خود داشته تا تلاش کند از نفوذ بیشتر کشورهایی چون کوبا، ترکیه، چین

1. CEPAL

و روسیه جلوگیری کند، تاثیر این کشورها به خصوص در ونزوئلا است. این مسئله تا جایی برای واشنگتن مهم بوده است که از سال ۲۰۱۸، با برنامه ریزی حساب شده، این کشور وارد بحران و ناآرامی شد و در سال ۲۰۱۹، برای حمله نظامی به ونزوئلا برنامه ریزی کردند (سی ان ان، آوریل ۲۰۱۹). بنابراین، برای رقبای آمریکا، حضور در ونزوئلا یکی از عوامل مهم پیشبرد «جنگ نرم» با این کشور به شمار می رود.

البته ثروت عظیم و ذخایر این کشور نیز از جمله عواملی است که کشورهای دیگر را به رابطه با کاراکاس ترغیب می کند. طبق آمارهایی که سازمان های جهانی داده اند، این کشور دارای منابع غنی انرژی است و در خیلی از موارد در رتبه های نخست جهانی در این زمینه قرار دارد. «معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران» میزان ذخایر نفتی ونزوئلا را بیش از ۲۹۸ میلیارد بشکه اعلام کرده است که از این حیث در رتبه نخست در جهان جای دارد.

شکل ۳. میزان ذخایر نفتی ونزوئلا



ذخایر طلا، مس، کوبالت و دیگر عناصر استراتژیک به شکل غیرقابل باوری در این کشور جای گرفته است. علاوه بر آن، ونزوئلا یکی از کشورهایی است که از ذخایر آب شیرین ارزشمندی بهره مند است. این کشور به سبب حاصلخیزی می تواند یکی از نقاط مهم برای کشاورزی و دام پروری باشد. در گذشته، زمانی که وضعیت ونزوئلا با ثبات دنبال می شد، شرکت های آمریکایی و اروپایی در این سرزمین به تولید پرداختند و محصولات خود را به دیگر کشورها صادر می کردند.

اکنون با خالی شدن بازار رقابت در ونزوئلا، ترکیه وضعیت را برای فعالیت مناسب می‌بیند.

البته این تمایل دوطرفه نیز بوده است؛ به عنوان مثال یکی از برنامه‌هایی که دولت ونزوئلا در پیش دارد تا با منطقه غرب آسیا بیشتر همکاری داشته باشد، تولید غذا است. «نیکلاس مادورو»^۱، رئیس جمهور این کشور در سپتامبر سال ۲۰۲۰، اعلام کرد کشورش بعد از ۱۲۰ سال اولین صادرات محصولات گوشتی را صورت می‌دهد؛ کشور وارد کننده در اینجا عراق است. مادورو همچنین اعلام کرد: « این موضوع در راستای سیاست صادرات حداکثری بخش کشاورزی صورت می‌گیرد تا ونزوئلا را به کشوری صادرکننده تبدیل کند. وی تصریح کرد که ونزوئلا پس از برزیل، آرژانتین و کلمبیا چهارمین کشور دارنده رمه‌های عظیم گاوَداری در آمریکای جنوبی است که باید از این ظرفیت خود استفاده کند.» (El Diario, 2020). موضوعی که باقی می‌ماند آن است که به سبب وابستگی بیش از حد ونزوئلا به شرکت‌های خارجی، این کشور معمولاً توان انجام این امور را به تنهایی ندارد؛ بنابراین، فضای لازم برای شرکت‌های خارجی آماده می‌شود تا با سرمایه‌گذاری و فعالیت در ونزوئلا، به علم بر اینکه نیروی کار در این کشور بسیار ارزان قیمت است، سود مناسبی را کسب کنند.

فعالیت‌های ترکیه در ونزوئلا نشان داده است، به دنبال همین برنامه گام برمی‌دارد و در نظر دارد با حضور در بخش‌های مختلف در داخل این کشور دست به تولید بزند. البته همکاری ترکیه و ونزوئلا را نباید محدود به اقدامات اقتصادی آنکارا _ کاراکاس دانست. همان‌گونه که گفته شد، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حضور ترکیه در آمریکای لاتین سیاسی است. در سال ۲۰۲۰، ترکیه در این منطقه و بار دیگر از طریق ونزوئلا، تلاش کرد تا خود را یک بازیگر فعال بین‌المللی نشان دهد. «مولود چاووش اوغلو»، وزیر امور خارجه ترکیه در ماه سپتامبر به ونزوئلا سفر کرد؛ پس از انجام این سفر مخالفان دولت ونزوئلا اعلام کردند، دیپلمات ترک با آن‌ها دیدارهایی را داشته است؛ ضمن آنکه در یکی از

1. Nicolas Maduro

مصاحبه‌های چاووش اوغلو نیز عنوان شد برخی از رهبران مخالف، حاضر به ادامه مذاکرات با دولت ونزوئلا شده‌اند (El Diario, 2020).

با کمی دقت درمی‌یابیم که ترکیه برآن است تا نقش میانجی را از اتحادیه اروپا بگیرد و خود وارد عمل شود. پیش از آنکه ونزوئلا در سال ۲۰۱۹، وارد بحران جدید شود، «خوزه لوئیس رودریگز زاپاترو»^۱، رئیس دولت اسبق اسپانیا به عنوان رابط دولت و مخالفان با کشورهای اروپایی فعالیت می‌کرد و سعی داشت وضعیت ونزوئلا و مناقشات موجود را به نوعی راهبری کند، اما با شکست وی و بالا گرفتن بحران، این بار نروژ دست به کار شد و به عنوان میزبان دولت و مخالفان برای مذاکرات وارد عمل شد. مذاکرات جدید نیز شکست خورد و اکنون ترکیه در تلاش است تا کار ناتمام اروپا را به پایان برساند.

۶. راهبرد ترکیه در قبال ونزوئلا در قرن ۲۱

هر چند شکوفایی روابط نزدیک ترکیه و ونزوئلا در دوران ریاست جمهوری نیکلاس مادورو رقم خورده است، از نقش رئیس جمهور فقید و رهبر ایدئولوژیک ونزوئلا یعنی «هوگو چاوز»^۲ (۲۰۱۳-۱۹۵۴) نیز نمی‌توان غافل شد. چاوز در دوران حیات خود همواره در تلاش بود تا سیاست خارجی را به سمتی هدایت کند که در روابط دوجانبه و چندجانبه در عرصه بین‌الملل چهره‌ای فعال از خود نشان دهد. به گونه‌ای که این رهبر چپ‌گرا در سال ۲۰۰۴، در بیانیه‌ای که در "هاوانا" پایتخت کوبا ایراد کرد، پیش‌نویس سازمانی منطقه‌ای و مهم را به نام «آلبا»^۳ (اتحاد بولیواری برای ملت‌های آمریکای ما) مطرح ساخت و پس از آن با تلاش‌های او در سال ۲۰۰۵، این سازمان منطقه‌ای، زیر نظر سازمان ملل متحد، کار خود را با دو ویژگی آغاز کرد:

نخست آنکه هدف اصلی مؤسسان آن توسعه روابط همه‌جانبه در منطقه برای جلوگیری از نفوذ آمریکا بود؛ دوم آنکه هسته اصلی کشورهای عضو را دولت‌هایی

1. José Luis Rodríguez Zapatero

2. Hugo chavez

3. ALBA

با ایدئولوژی تقریباً یکسان (ونزوئلا، کوبا، بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه) تشکیل می‌دادند. وی به دنبال آن بود تا در سایه فعالیت‌های این سازمان، روابط منطقه را با کشورهای قدرتمند جهان به‌ویژه چین و روسیه تقویت کند تا به صورت مؤثرتری در برابر سیاست‌های آمریکا بایستد. در آن دوران، زیربنای اصلی سیاست خارجی ونزوئلا بر اساس همکاری‌های اقتصادی درون منطقه‌ای و سپس فرامنطقه‌ای شکل گرفت. این بدان معنا بود که هر کشوری که به ونزوئلا یا کشورهای عضو آلبا کمک می‌کرد تا از نفوذ آمریکا جلوگیری کند، می‌توانست در کنار آنها و به‌ویژه ونزوئلا فعال باشد. واضح است که در این میان عنصر ایدئولوژی اهمیت زیادی پیدا می‌کرد، اما آنچه در مسیر ضامن حضور فعال و همکاری‌های بیشتر با این کشورها می‌شد، اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی بود. ترکیه، حتی در روزگاری که با غرب و به‌ویژه با آمریکا روابط بهتری نسبت به زمان فعلی داشت، روابط اقتصادی‌اش با ونزوئلا را قطع نکرد؛ بدین معنا که بخواهیم در روابط این دو کشور نسبت برتری ایدئولوژی و اقتصاد را مقایسه کنیم، کفه ترازو به سمت فعالیت‌های اقتصادی سنگین‌تر می‌شود.

در یک دهه اخیر آنکارا تمهیداتی را اندیشیده است که پروازهای شرکت هواپیمایی "ترکیش" به کاراکاس همواره برقرار باشد، به‌گونه‌ای که این شرکت در حال حاضر از جمله معدود شرکت‌هایی است که این پرواز را انجام می‌دهند. حتی در دورانی که خطوط پروازی اروپایی به سبب تحریم‌ها از سال ۲۰۱۸، پروازهای خود را کم کردند و در سال ۲۰۱۹، آنها را به مقصد کاراکاس قطع کردند، خط هوایی ترکیش با دو پرواز در هفته همواره برقرار بود و مسافران را در این مسیر جابه‌جا می‌کرد.

از دیگر اقداماتی که ترکیه در راستای «قدرت نرم» و نفوذ فرهنگی صورت داده است، پخش سریال و فیلم‌های ترکی در رسانه‌های ونزوئلا است؛ به‌گونه‌ای که شخص مادورو اعلام کرده بود «از بینندگان این سریال‌های تلویزیونی است» (تارنمای خبری تی آر تی اسپانیایی، ۲۰۱۸). «اسماعیل ارماگان»^۱، استاد دانشگاه

«مدنیت» ترکیه در مصاحبه‌ای با روزنامه اسپانیایی «ال پائیس»¹، چاپ مادرید گفته است: «ترکیه آن رفتاری را که از اروپا انتظار داشت، ندیده است؛ بنابراین، در حال حاضر (اردوغان و مادورو) هر دو به نوعی نگرشی ضد هژمونی به آمریکا دارند و به سمت جهانی چندجانبه گام برمی‌دارند».

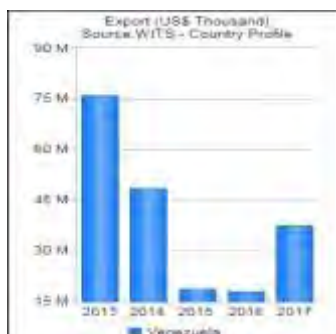
مادورو در سال ۲۰۱۰، برای اولین بار به ترکیه سفر کرد. دو کشور در این سفر توانستند فاصله میان راست‌گرای اسلامی و چپ‌گرای سوسیالیست را از میان بردارند (ارماگان، ۲۰۱۹). این موضوع نشان می‌دهد در سایه روابط اقتصادی، هر چند تفکرات سیاست داخلی کشورها با یکدیگر متفاوت باشد، منافع آنها ایجاب می‌کند که همکاری‌هایی را با یکدیگر شکل دهند.

در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، نیکلاس مادورو، چهار بار به ترکیه سفر کرده است. در عین حال در دسامبر ۲۰۱۸، نیز «رجب طیب اردوغان»، اولین رئیس‌جمهور ترک لقب گرفت که به ونزوئلا سفر کرد. با عنایت به تاریخ‌ها و سفرهای هر دو رئیس‌جمهور مشخص می‌شود، علت نزدیک شدن این دو در این سال‌ها، اقداماتی است که غرب، به‌ویژه آمریکا علیه ترکیه و ونزوئلا انجام داده است و اردوغان آن را "ضربه" می‌خواند؛ بنابراین، آنکارا برای رها شدن از آسیب‌های "ضربه" آمریکا هم‌پیمانی جدید یافته است. این همگامی، همراهی‌های اقتصادی خوبی را نیز برای هر دو کشور به ارمغان آورده است. در سفر اردوغان به ونزوئلا، به گزارش تلویزیون ملی این کشور، ترکیه ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو در ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده است (تارنمای خبری تله سور، ۲۰۱۸).

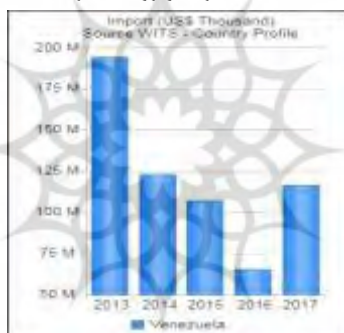
سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلفی؛ از جمله انرژی، صنایع نظامی و غذایی به انجام رسیده است. آمارها نشان داده‌اند که روابط تجاری دوجانبه آنها طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، به میزان سیزده برابر رشد کرده است؛ مطابق با گزارش‌هایی که مؤسسه ملی آمار ترکیه ارائه کرده است، در پنج ماه نخست سال ۲۰۱۸، تجارت دوجانبه ونزوئلا و ترکیه به میزان بیش از ۸۹۲ میلیون دلار رسیده است. در این گزارش عنوان شده است که در مدت پنج ماه، صادرات ترکیه به

ونزوئلا بیش از ۵۲ میلیون دلار و واردات از این کشور، بیش از ۸۳۴ میلیون دلار بوده است.

شکل ۴: واردات ونزوئلا از ترکیه



شکل ۵: صادرات ونزوئلا به ترکیه



همان‌گونه که آمارهای بانک جهانی هم در بالا نشان می‌دهند، پس از آنکه اقتصاد ونزوئلا در سال ۲۰۱۳، دچار مشکل شد، میزان روابط تجاری با ترکیه نیز دستخوش تغییر گشت، اما با این حال از سال ۲۰۱۷ به بعد، به علت تغییر وضعیت دو کشور تجارت میان آن دو شروع به پیشرفت کرده است. آمارهای زیر میزان واردات و صادرات ونزوئلا را در همکاری با ترکیه نشان می‌دهند.

با اینکه این اعداد و ارقام در حال حاضر بخش کوچکی از تجارت خارجی ترکیه را دربر گرفته اند، به هر ترتیب به روشنی نشان می‌دهند که روابط دو جانبه ترکیه و ونزوئلا به سرعت در حال توسعه است. باید توجه داشت که در بازه زمانی پنج ساله از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، تبادلات بین این دو کشور ۸۰۳ میلیون دلار

بوده است. برخی از کالاهایی که ترکیه به ونزوئلا صادر می‌کند عبارتند از: آرد گندم، ماکارونی، صابون، محصولات بهداشتی و دندانپزشکی، سنگ مرمر، قطعات خودرو، مصالح ساختمانی و دارو. از سویی دیگر، ترکیه عمدتاً از ونزوئلا سنگ‌های قیمتی، فلزات گران‌بها، محصولات فلزی ساخته شده از آهن و فولاد، سنگ‌های معدنی، مروارید و سکه وارد می‌کند.

اما اصلی‌ترین داد و ستد و سرمایه‌گذاری که میان دو کشور انجام شده است، سرمایه‌گذاری در بخش طلای ونزوئلا است. مطابق با آمارهایی که سازمان ملل متحد ارائه کرده است، ونزوئلا اولین ذخایر طلای جهان را در اختیار دارد، اما توانایی استخراج آن را ندارد. ترکیه با سرمایه‌گذاری در این بخش در سال ۲۰۱۸، توانسته میزان قابل توجهی طلا را وارد کند. در ۱۹ ژوئیه همان سال «ویکتور کانو»^۱ وزیر معدن ونزوئلا اعلام کرد، بانک مرکزی این کشور در حال صادرات طلا به ترکیه (و نه به سوئیس) است. علت اصلی این اقدام ترس از تحریم‌ها و بلوکه شدن ذخایر ونزوئلا در کشورهای هم‌پیمان آمریکا اعلام شد. بر اساس آنچه دولت ترکیه گزارش داده، مطابق با آمارهای رسمی مرتبط با بانک جهانی و مجله اقتصادی «سرمایه و طلا»، ونزوئلا ۷۷۹ میلیون دلار طلا در سال ۲۰۱۸، به ترکیه صادر کرده است (Oro y Financia, 2016).

همچنین ترکیه در نه ماه نخست سال ۲۰۱۸، به میزان ۶۱ میلیون دلار، طی یک برنامه مشخص، مواد غذایی به ونزوئلا ارسال کرده است تا به‌نوعی نشان دهد، حضور این کشور در منطقه علاوه بر منافع اقتصادی، حمایت از مردم ونزوئلا در برابر بحران موجود است (گزارش سپال). اگر به مجموعه این اقدامات از سوی دولت ترکیه بنگریم، درمی‌یابیم که آنکارا با فعالیت‌های اقتصادی‌ای که در ونزوئلا به انجام می‌رساند، توانسته جایگاه سیاسی خود را نیز در این کشور تثبیت کند. در واقع جایگاه ترکیه در کشوری شکل می‌گیرد که نقطه مقابل واشنگتن است. این رویه همان سیاستی است که حزب عدالت و توسعه از ابتدای شکل‌گیری در سیاست خارجی خود دنبال می‌کرد.

بررسی رویکرد ترکیه نسبت به بحران ونزوئلا، به ویژه بعد از ژانویه ۲۰۱۹، مشخص می‌کند که آنکارا سیاست‌های نئولیبرال خود را در روابط با کشورهای آمریکا ادامه می‌دهد. این کشور صرف‌نظر از سیاست‌های ضد ونزوئلایی آمریکا و فشارهای اقتصادی‌ای که بر کاراکاس تحمیل می‌شود، حمایت خود را از دولت قانونی ونزوئلا قطع نکرده و بر تداوم روابط با این کشور تاکید دارد (بی بی سی اسپانیایی، اوت ۲۰۱۹).

با توجه به آنچه از پی‌ریزی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه یاد کردیم، حفظ استقلال سیاسی و حضور در منطقه آمریکای لاتین، برای دولت ترکیه حتی بالاتر از ادامه همکاری با واشنگتن و اتحادیه اروپا بوده است. باید در نظر داشت که در بحران ونزوئلا، ترکیه تنها کشوری از پیمان «آتلانتیک شمالی» (ناتو) است که مادورو را به عنوان رئیس دولت در ونزوئلا قبول دارد. اولین دلیلی که می‌توان برای این موضوع متصور شد، آن است که مادورو نیز از جمله اولین رهبران سیاسی دنیا بود که کودتا علیه اردوغان را محکوم کرد و آن را ساخته و پرداخته واشنگتن دانست. ترکیه حتی بحران موجود در ونزوئلا را بی‌شبهت به کودتای سال ۲۰۱۶، در این کشور نمی‌داند (اسپوتنیک اسپانیایی، آوریل ۲۰۱۹).

بدین ترتیب، دولت ترکیه با حفظ ارتباط دیپلماتیک با کاراکاس توانسته است در مدت زمانی که ونزوئلا بیشتر از همیشه نیازمند کمک هم‌پیمانانش است، راه را برای شرکت‌های ترک هموارتر سازد تا در این کشور به تجارت بپردازند. بدون شک ایجاد بازاری جدید در منطقه‌ای که بسیاری از کشورها تمایلی به ایجاد ارتباط نشان نداده‌اند، برای صاحبان سرمایه می‌تواند جذاب باشد. از سویی دیگر این کشور می‌خواهد، پس از بحران سوریه، در دومین بحران بین‌المللی نیز حضوری فعال داشته باشد و نقش خود را ثابت کند.

به همین سبب است که اردوغان در محافل گوناگون به حل مسالمت‌آمیز اختلافات در این کشور توصیه می‌کند؛ زیرا به خوبی می‌داند که تداوم سیاست‌های اقتصادی و غیر اقتصادی‌اش در قبال ونزوئلا و آمریکای لاتین، منوط به حضور دولتهایی است که چندان گرایشی به واشنگتن ندارند؛ در غیر این

صورت به سبب دلایلی که در بالا نیز گفته شد، آمریکا مانع حضور ترکیه در این منطقه می‌شود.

از سویی دیگر، باید توجه داشت که ترکیه در شطرنج ژئوپولیتیک ونزوئلا نقش مهمی دارد؛ علت آن است که این کشور پیش از بالا گرفتن بحران در ونزوئلا، حضور اقتصادی‌اش را تثبیت کرده بود. پس از تحریم‌ها نیز از اصلی‌ترین راهی که دولت ونزوئلا به پول نقد دست پیدا می‌کند، تبادل تجاری با ترکیه است.

نتیجه‌گیری

دولت ترکیه در مناطق دوردست، به‌ویژه در منطقه آمریکای لاتین به دنبال متحدانی جدید حرکت کرده است. علت اصلی این اقدام ناامیدی از اتحادیه اروپا و تنش‌های فزاینده با واشنگتن عنوان می‌شود؛ بنابراین، حضور در منطقه‌ای که به عنوان منطقه‌ای حساس برای غرب و به‌ویژه آمریکا است، می‌تواند علاوه بر دادن شخصیتی تاثیرگذار در عرصه بین‌الملل به دولت ترکیه، این کشور را از منافع اقتصادی مناسبی بهره‌مند سازد. به عبارتی دیگر می‌توان علت حضور ترکیه در آمریکای لاتین را این‌گونه تبیین کرد:

حزب عدالت و توسعه با برگزیدن سیاست‌هایی نئولیبرال در قبال آمریکای لاتین خصوصاً ونزوئلا به دنبال آن است تا در درجه اول به همکاری مطلوبی با کشورهای آن منطقه دست یابد، و در گام دوم با حضور در بطن بحران کنونی در ونزوئلا شخصیت‌سازی بین‌المللی خود را تکمیل کند. به همین دلیل است که امروز ترکیه به صورت کامل از دولت مرکزی ونزوئلا، حمایت می‌کند.

ترکیه در این مسیر بیش از هر چیز از «قدرت نرم» و همچنین فضای خالی اقتصادی که غرب به سبب تحریم‌ها و مشکلات ایدئولوژیک با آمریکای لاتین ایجاد کرده است، استفاده می‌کند. تفکرات نئولیبرال در روابط با این منطقه به این کشور اجازه داده است تا در آمریکای لاتین حضوری پررنگ در زمینه اقتصاد داشته باشد. در واقع ترکیه از طریق اقتصاد است که وارد این منطقه شده و سپس تاثیر گذاری سیاسی خود را اعمال می‌کند.

این مورد در خصوص ونزوئلا، به‌خصوص در دوران بحران قابل توجه است.

ونزوئلا کشوری با ذخایر عظیم طبیعی است، بنابراین در کنار کاراکاس بودن سبب می‌شود تا کارخانه‌های تولیدی ترکیه همواره در گردش باشند. از سویی دیگر ترکیه حتی در وضعیت فعلی می‌داند که حضور در ونزوئلا به مثابه حضور در دیگر کشورهای منطقه است. چرا که آنکارا با ارسال کالاهای اساسی به ونزوئلا و هم‌زمان افزایش روابط با دیگر کشورها، چهره‌ای مثبت از خود بر جای می‌گذارد و به تبع آن می‌تواند به صورت پررنگ‌تری در اقتصاد منطقه هدف حضور داشته باشد.

استفاده ترکیه از ظرفیت‌های اقتصادی به عنوان راهبرد حضور در عرصه بین الملل، خصوصاً در دوران بحران‌های اقتصادی که گریبان‌گیر کشورها در دوران "کرونا" شده است، فرصت‌های خوبی در اختیار ترکیه برای نقش‌آفرینی در مناطق مختلف از جمله منطقه آمریکای لاتین قرار داده است؛ به همین دلیل حتی در نیمه دوم سال ۲۰۲۰، و در وضعیتی که کشورهای جهان درگیر بحران‌های متعددی هستند، وزیر امور خارجه این کشور به ونزوئلا سفر می‌کند و در رسانه‌ها خود را به عنوان یک میانجی یا رابط میان دولت و مخالفان نشان می‌دهد؛ اقدامی که نشان از دستاوردهای سیاسی راهبرد اقتصادی ترکیه در ونزوئلا است.

*شکر و قدردانی

مقاله حاضر با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، به انجام رسیده و کلیه حقوق آن مربوط به این دانشگاه است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسمیت، استیو؛ دان، تیم و هدفیلد، امیلیا (۱۳۹۷). *سیاست خارجی: نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی*. ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی؛ محسن محمودی و ایوب کریمی. ج ۱ و ۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- داوود اوغلو، احمد (۱۳۹۵). *عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه راهبردی*. ترجمه: محمدحسین نوحی نژاد ممقانی. چ دوم. تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- ظریف، محمد جواد و محمد کاظم سجادیپور (۱۳۹۱). *دیپلماسی چندجانبه: پویایی مفهومی و کاربردی سازمان‌های بین‌المللی*. مرکز آموزش‌ها و پژوهش‌های بین‌المللی.
- علیخانی، ابراهیم (۱۳۸۶). *جمهوری اسلامی ایران و سازمان تجارت جهانی*. اداره هماهنگی مذاکرات تجاری وزارت امور خارجه.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی*. چ هفدهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- منکیو، گریگوری (۱۳۹۶). *مبانی علم اقتصاد*. مترجم: حمیدرضا ارباب. تهران: نشر نی.
- ویاردا، هوارد ج. و هروی اف. کلایین (۱۳۸۸). *الگوی سیاست و توسعه در آمریکای لاتین*. مترجم: پرویز امامزاده فرد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *سیاست*. ترجمه: عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.
- De la Rosa, Alexander, 2011, *Las Relaciones de Turquía con la República Dominicana*, From Consejo Dominicano De Relaciones Internacionales
- Funk, Kevin, 2015, *Cómo América Latina se encontró con el mundo árabe: hacia una economía política de las relaciones árabe-latinoamericanas*.
- Andrzej, 2010, "Hypótesis sobre la seguridad política Colombiana, abril-junio.
- INTERNATIONAL AFFAIRS TREE, "Turkey's relations with the Middle East" and "Turkey's relations with the Middle East", http://www.mfa.gov.tr/ii_bilateral-

relations--_main--documents_.en.mfa.

NYE, Joseph, 2002, the Paradox of American Power, Oxford University Press, New York

Levaggi, Ariel S. González, 2012, América Latina y Caribe, la última frontera de la Nueva Política Exterior de Turquía, Araucaria. Revista Iberoamericana de Filosofía, Política y Humanidades.

Levaggi, Ariel S. González, 2016, Turquía-América Latina: una sociedad emergente, Catedra Libre de Estudios Turcos

Özkan, Mehmet, 2016, América Latina y Oriente Medio: una perspectiva comparada, From SETA Foundation for Political, Economic and Social Research (Turquía).

TEEE L, ee hm,, 2004 üü yyddd mmmnnu LnnnnAmrrklå İlişkileri, Istanbul, hhh rr yyy nrrr,,

<https://www.bbc.com/mundo/noticias-45195934>

<https://mundo.sputniknews.com/america-latina/201901301085129110-occidente-normas-internacionales-crisis-venezuela-violacion/>

<https://www.theguardian.com/us-news/2019/jan/26/elliott-abrams-venezuela-us-special-envoy>

<https://edition.cnn.com/2019/04/15/politics/pentagon-venezuela-military-options/index.html>

<https://edition.cnn.com/2019/04/15/politics/pentagon-venezuela-military-options/index.html>

<https://wits.worldbank.org>

<http://isti.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=262&newsview=3931>

<https://eldiario.com/2020/09/05/exportacion-de-carne-venezuela-irak/>

<https://eldiario.com/2020/09/05/exportacion-de-carne-venezuela-irak/>

<https://www.trt.net.tr/espanol/cultura-y-arte/2018/05/18/maduro-es-fan-de-la-teleserie-turca-resurreccion-ertugrul-974067>

<https://www.telesurtv.net/news/maduro-erdogan-venezuela-turquia-ronda-negocios--20181203-0029.html>

<https://www.oroymas.com/2018/07/venezuela-exporto-779-millones-oro-turquia-2018>